ساعتی بر سر مزار حسن زیرک هنرمند نابغه بوکانی

چشمت ستاره شباهنگ

محمد مطلق
گزارش نویس

«آی کاکای کشاورز! شخمت دلخواه و بذرت رازیانه و خرمنت پربرکت/ برادرم، کاکای من! راهم کوهستانی است، می‌روم بوکان/ همان جا که گلستان ایران است/ کاکای کشاورز! شخم را رها کن، میهمان از راه می‌رسد خسته/ بیا برویم سمت خانه، من که راه را بلد نیستم/ تا همین جا هم مردم ایرانم راه را نشانم دادند.»

صبح نخستین روز زمستان به هوای مزار حسن زیرک، خواننده و ترانه سرای نابغه کرد، ارومیه را ترک می‌کنم و راهی بوکان در جنوب آذربایجان غربی می‌شوم. به قول کردها هنرمند نَمِر یا نامیرا. خبری از چغندرکاران اطراف میاندوآب و مهاباد نیست اما ترانه آی کاکای کشاورز او یکسره به ذهنم می‌آید. زیرک رنگ زندگی در این حوالی است. می‌شود ترانه‌هایش را شنید و همین دور و بر دنبال آدرس‌شان گشت. مثل ترانه «نال شکینی» یا نعل شکنش که همین حالا راهی آنجا هستم؛ محله‌ای به نام کوه نعل شکن که مزار زیرک است: «به نال شکینه می‌روم، رو به روی میاندوآب، به نال شکینه می‌روم روبه‌روی سابلاغ (مهاباد) رو به روی باغ خاتون/ یار من آهوی زیبا چشمی است که از من می‌رمد»

بوکان با نم‌نم باران در سرمای نخستین صبح زمستانی از خواب بیدار می‌شود اما بوستان کوچک نال شکینی و مزار زیرک، هیچ ساعتی خالی از علاقه‌مندان به او نیست. سید حاتمی و همسرش هم تازه از کرمانشاه رسیده‌اند. می‌گوید راستش را بخواهید کار را بهانه کردم وگرنه هدف اصلی‌ام از سفر، مزار حسن زیرک بود: «۴۰ سال بود که آرزو داشتم بیایم نال شکینی که بالاخره امروز به آرزویم رسیدم. تا دنیا دنیاست دیگر هنرمندی مثل زیرک پا به عرصه نمی‌گذارد.» این‌ها را می‌گوید و می‌زند زیر آواز: «به نال شکینه می‌روم رو به روی باغ خاتون...»

کاک کمال افروشه نگهبان بوستان و مزار حسن زیرک می‌گوید روزهای جمعه اینجا خیلی شلوغ می‌شود: «از روستاهای دوروبر بوکان گرفته تا کرمانشاه و سنندج و سقز و چهارمحال و بختیاری مسافر داریم.» می‌پرسم واقعاً از چهارمحال و بختیاری هم به نال شکینه می‌آیند؟ می‌گوید بله بله از تبریز، تهران، همه جا. همین چند وقت پیش بود که چند نفر از چهارمحال و بختیاری آمده بودند.

کاک حسن میرآوایی خواننده بوکانی هم صبح اول وقت با دوستش به بوستان آمده و گوشه‌ای نشسته و به گفت‌وگوی من و کمال گوش می‌دهد. می‌پرسم از اقوام حسن زیرک کسی را در بوکان می‌شناسید؟ می‌گوید: «برادرش حاجی حسین تازگی‌ها به رحمت خدا رفت. دخترهایش مهتاب و مهناز هم که تهران زندگی می‌کنند گاهی می‌آیند اینجا. رابعه خانم، همسر دوم مرحوم زیرک هم که سقز هستند، خیلی می‌آیند. رابعه خانم باید حدود ۷۵ ساله باشد.» می‌پرسم کدام ترانه زیرک را دوست داری؟ می‌گوید والله همه ترانه‌هایش دلنشین است. می‌پرسم کدام را بیشتر زمزمه می‌کنی؟ با آواز بلند و صدایی گیرا می‌خواند: «هرکه منع دلداری کند، آی روسری کج! بال و پرش مثل درخت هرس کرده بریزد/ آی روسری خاقانی! دنیا از حال من و تو خبردار شد»

زیرک، آذر ۱۳۰۰ در محله قلعه سردار بوکان به دنیا آمد و خیلی زود پدرش را از دست داد. مادر، به دلیل فقر خانواده مجبور به ازدواج شد و حسن ماند و روزگار تلخ و رنج آلود او و دو خواهر و دو برادر دیگرش. هیچ یک از بچه‌ها از جمله حسن، نتوانستند درس بخوانند که هیچ، برای امرارمعاش نیز می‌بایست سخت کار می‌کردند. حسن دست به هرکاری زد؛ شاگردی شربت فروشی، کار در چاپخانه، کارگری و چوپانی و شاگرد شوفری. اما وقتی شاگرد شوفر خط سقز- بوکان بود، اتفاق تلخ دیگری برایش افتاد؛ روزی که راننده بیمار بود، پشت فرمان نشست و تصادف بدی کرد. یکی از همشهری‌هایش در این تصادف کشته شد و حسن جوان از ترس خود را مخفی کرد تا اینکه مدتی بعد تسلیم و راهی زندان شد. حسن زیرک پس از آزادی، زمانی که روی ماندن در بوکان را نداشت، ناامیدانه در جست و جوی کار به عراق رفت و در هتل «شمال» بغداد به عنوان نظافتچی استخدام شد. همان هتلی که درهای بخت را به روی او باز کرد.

مرحوم مام جلال طالبانی رئیس جمهور فقید عراق سال ۲۰۰۰ میلادی با انتشار عکسی قدیمی از خود و فرد دیگری که شبیه حسن زیرک بود نوشت؛ در سال ۱۹۵۴ در هتل شمال اقامت داشته و مرحوم زیرک را درحال نظافت و آواز خواندن دیده و از صدای او شگفت‌زده شده است. خاطره‌ای که خانواده زیرک نیز آن را تأیید کردند. مام جلال همان روز زیرک را به رادیو کردی بغداد معرفی می‌کند و بلافاصله استخدام می‌شود. حالا حسن، نظافتچی هتل، هنرمندی است که صدایش هر روز در شهرهای کردنشین از جمله بوکان شنیده می‌شود و روز به روز به جمعیت طرفدارانش افزوده می‌شود.

فراز و فرودهای زندگی زیرک تمامی ندارد. او در سال ۱۳۳۷ تصمیم به بازگشت به ایران می‌گیرد و بلافاصله در رادیو کردی تهران استخدام می‌شود. یعنی همان سال که پادشاهی عراق سقوط کرد و هنرمندان نظام پیشین از جمله زیرک تحت تعقیب قرار گرفتند. بویژه اینکه او در تاجگذاری ملک فیصل هم ترانه‌ای سروده و اجرا کرده بود. زیرک در تهران با هنرمندان سرشناسی مثل حسین یاحقی، حسن کسایی، جلیل شهناز، جهانگیر ملک و احمد عبادی کار کرد تا اینکه رادیو کردی تهران برای پوشش برون مرزی به کرمانشاه منتقل شد. شهرام ناظری در وصف کار زیرک در رادیو کرمانشاه گفته است: «زیرک یک انسان نابغه به معنای واقعی بود؛ او سواد نداشت اما همان لحظه که وارد ارکستر رادیو می‌شد و به اتاق ضبط می‌رفت، در آن واحد، هم شعر می‌سرود هم آهنگ می‌ساخت و هم می‌خواند. چنین موردی در موسیقی بسیار کم سابقه بوده است.»

> زیرک یک انسان نابغه به معنای واقعی بود؛ او سواد نداشت اما همان لحظه که وارد ارکستر رادیو می‌شد و به اتاق ضبط می‌رفت، در آن واحد، هم شعر می‌سرود، هم آهنگ می‌ساخت و هم می‌خواند. چنین موردی در موسیقی بسیار کم سابقه بوده است

زیرک حدود ۲ هزار و ۸۰۰ ترانه دارد که بخشی از آنها بازخوانی ترانه‌های قدیمی کردی است و به گواه بسیاری اگر او نبود اغلب آنها از بین رفته بودند. بماند که این نابغه بوکانی ترانه‌هایی به زبان فارسی، ترکی آذربایجانی، لری و ارمنی نیز خوانده است. محمد اکرمی دانشجوی کمبریج انگلستان که چند قدم دورتر از قبر زیرک نشسته می‌گوید: «برای من که بچه همین محله هستم، زیرک و مقبره او جنبه سمبلیک دارد. هویت شهر ما و هویت این محله است. زیرک از یاد رفتنی نیست. من دوستان زیادی از شهرهای مختلف ایران دارم که همه زیرک را دوست دارند، حتی دوستان خارج از ایران هم وقتی صدای زیرک را می‌شنوند عاشقش می‌شوند. یادم هست برای دوستی نروژی یکی از ترانه‌هایش را ترجمه کردم، چنان شگفت‌زده شده بود که حد نداشت.»

یونس جوانی و دو دوست دیگرش از سقز به نال شکینه آمده‌اند و مشغول عکس گرفتن بر سر مزار زیرکند. یونس می‌گوید: «من عاشق زیرک هستم. نمی‌توانم بگویم کدام ترانه‌اش را بیشتر دوست دارم چون همه ترانه‌هایش روح‌نواز است. رزگار سلیمی دوست یونس می‌گوید: «من هربار از بوکان رد می‌شوم سری هم به مزار حسن زیرک و قادر عبدالله زاده می‌زنم.» عبدالله زاده نوازنده شمشال که نوعی نی سنتی در کردستان است، سال ۸۸ درگذشت و در کنار مقبره حسن زیرک به خاک سپرده شد. او یکی از بزرگ‌ترین نوازندگان مقامی ایران و برنده جایزه اصولی‌ترین نوع نی نوازی آلمان در سال ۱۹۹۳ بود.

زیرک زندگی خود را سرود و زندگی خود را خواند. او حتی وقتی در سن ۵۱ سالگی در بیمارستان بوکان با مرگ دست به گریبان بود، ترانه‌ای به یاد دوستان قدیم خواند و از آنها نام برد. هوا چنان سرد است که طاقت ماندن در بوستان نعل شکن را ندارم. به اتومبیل برمی‌گردم و ترانه ایران ایران زیرک را زمزمه می‌کنم: «ایران ایران ایران/ تو شدی مسکن شیران/ چشمت ستاره شباهنگ/ سرگردان تو هستم/ پریشان بالای بلندت»

آذین حقیقی / ایران

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۸۵۸

آسان

۷					۸	۹		
	۸					۴		۶
		۱			۴		۸	۷
۱		۶		۳		۴		۸
	۹		۴		۶		۱	
۸		۲		۷		۶		۵
۹	۱		۳			۸		
۲	۵						۶	
۳		۸	۲					

متوسط

	۷	۲						
	۱		۲			۶	۴	
۵				۹				۷
	۲	۱	۳					
۳	۶		۴		۱		۵	۲
					۶	۱	۸	
۱				۳				۶
	۴	۵			۹		۲	
						۵	۹	

سخت

						۱	۲	۹
			۹		۲	۸	۴	
		۲	۸			۱		
				۶		۵		
						۴	۳	
	۱	۷	۶		۸			
۹	۴		۷	۵				

خیلی سخت

		۷			۶			۸
			۵		۱			
			۴			۵		
۶		۹				۸		۶
۹				۸				۹
۲			۳	۶				۱
				۳		۲	۴	
			۵		۹		۷	
۷				۱			۶	

حل جدول سودوکو شماره ۳۸۵۸

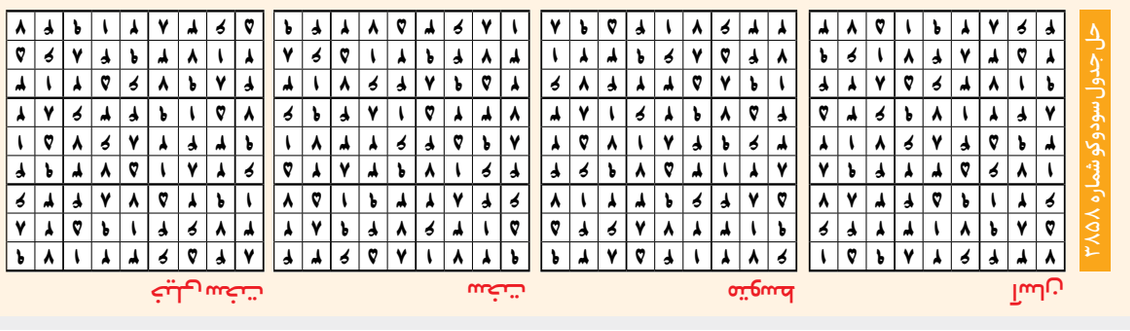

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۸۲۷

جدول عادی

افقی:
۱- موی سفید و سیاه- فیلمی به کارگردانی «مریم بحرالعلومی» (آماده اکران) با آخرین نقش‌آفرینی جاودانه علی انصاریان فقید
۲- قهوه‌ای مات- چیرگی- حیف
۳- حرف عصایی- آنکه مجلس میهمانی را زینت بدهد- روحانی زردشتی
۴- بخشی از وظایف پرستاران را انجام می‌دهد- آسیب- برنامه رایت دی‌وی‌دی- دویدن
۵- پیش درآمد آشغال- شهر مجسمه‌ها- ماما
۶- گیاه پارچه‌ای!- سبزتیره- مانند
۷- به طور ناگهانی- به زور وادار کردن- نوعی لیمو
۸- ارسباران امروزی- قمارباز خاکسترنشین- پدرفرنگی
۹- برخی در خواب می‌کشند- زرنگ و باهوش- همه دارند
۱۰- پدر عرب- کاغذفروش- سنگینی، هیبت
۱۱- آن که راهی تازه برای اجرای امری می‌یابد- دارای مزیت- مضمون
۱۲- حرف پوست کنده- اسباب و اثاثیه خانه- دختر- مخفیانه خودمانی
۱۳- عصای سالمندان- هواپیمایی افغانستان- همدم
۱۴- خیابان وسیع- دیلم- همگام و همراه
۱۵- سینمای امریکا- ملک خاص و استثنایی

عمودی:
۱- کمد یا چوب رختی که جامه بدان آویزند- زباله
۲- زیبایی- گریزان- متاع
۳- جایزه معروف موسیقی- از قدیمی‌ترین جواهرات جهان- دوش
۴- سازشکوه‌گر- بیماری گیاهان!- حرف نشانه مفعول- موافق
۵- دایره‌ای در بانک‌ها- تیم اسپانیایی- چهره
۶- درون جمجمه- برچیده شده و نابود- خودروی ایرانی
۷- ضرب شمشیر- شهر استان هرمزگان- جوانمرد
۸- ترس- سردسیر- پول خون
۹- غلبه و چیرگی- گرمسیر- پایتخت سامانیان
۱۰- آفریده شدگان- نمود کردن- چاشنی غذا
۱۱- شمردن- بهار- پیروی
۱۲- قواعد جبری یا شیمی- مطابق روز- پول خارجی- جنبانیدن
۱۳- منظره- حامی- کارسرسری
۱۴- تمایل داشتن- مونس- سعی و فعالیت
۱۵- آموختن، تعلیم- گیاهی شبیه زردچوبه

جدول ویژه

افقی:
۱- مبتکر زبان اسپرانتو- گونه‌ای پارچه نخی سبک
۲- هواخواه و پیرو- منافق- خوراکی پرطرفدار
۳- سخنان بیمار- فرایند خالص‌سازی یا جداسازی مواد خام طبیعی- کهولت
۴- کاشف قانون جاذبه- افزودن انگلیسی- پهلوان- ضمیر بیگانه
۵- هریک از چهار خلط بدن- سرکوه- ام الشرائین
۶- سکه عهد هخامنشی- آنچه تقدیر شده- همراه رفت!
۷- روشنی بخش شب- شهری در «ژاپن»- از رشته‌های ورزشی
۸- گیسو- نام پسرانه- عبادتگاه راهب
۹- گنجور عهد موسی (ع)- در مرتبه دوم قرار دارد- سقف دهان
۱۰- تیز- شوره زار- مزاح
۱۱- پیامدها- درنوروز بزرگ‌تر هابه بچه‌ها می‌دهند- سخن مگو
۱۲- رنج و محنت- متعفن- امرار زیستن- اینک
۱۳- ستاره روشن- برچیده شدن- اندوهگین
۱۴- دامن بلند- کلاهبردار- کتاب «مولیر»
۱۵- فیلمی به کارگردانی «الکساندر پین»- طرز ساختمان چیزی

عمودی:
۱- سریال «سعید نعمت الله»- فیلمی با حضور «الهام طهموری»
۲- زینت دادن- رنج و عذاب- سوغات قمصر
۳- جزیره‌ای در اروند رود- شهر استان ایلام- حیله
۴- عود- کاخ داریوش بزرگ- نویسنده معاصر ایتالیایی- خوشگذران
۵- کیک تابه‌ای- نکته‌ها- قلب قرآن
۶- کتاب هندوان- دسته- ساز قدیمی هندوستان
۷- فلز سخت- بزرگ‌ترین روستای حریم شمال غرب تهران- شهر نیروگاه
۸- بخشنده- بی باک- کیوان
۹- همسرزن- خویشان- کشور باستانی
۱۰- با «گفت» آید- رنگی برای چشم- مروارید چشم
۱۱- موسیقی مبتذل- حمله- بخشی درصد اوسیما
۱۲- نفیر و سرنا- عنصر گواتر- ظرف چرمین دوغ- فضایی در قسمت زیرین کشتی
۱۳- اسم دخترانه فرنگی- ظلمت- فراموشکار
۱۴- اندوخته- راه آب- غذایی آماده
۱۵- مرکز «کامرون»- تجدد

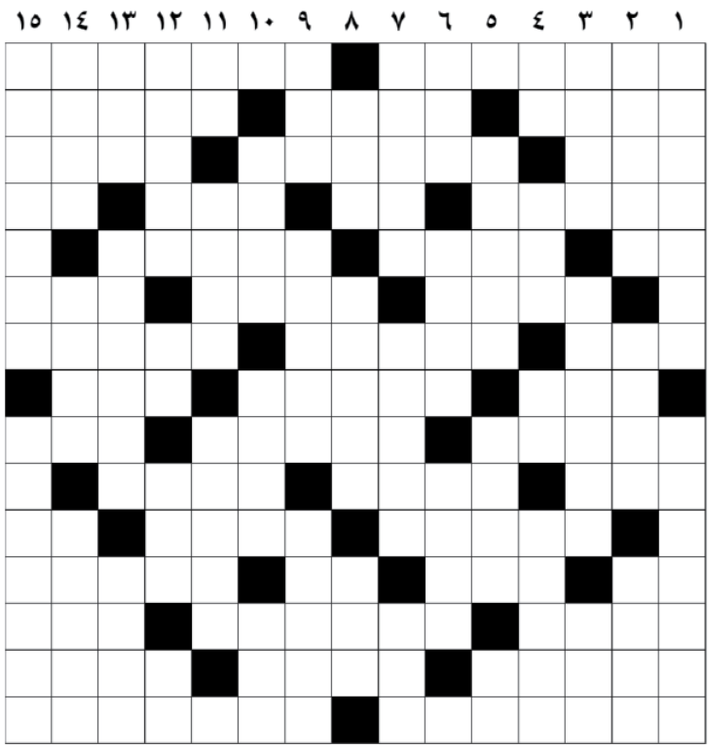

حل جدول عادی شماره ۷۸۲۶

حل جدول ویژه شماره ۷۸۲۶